



ریشه‌ها

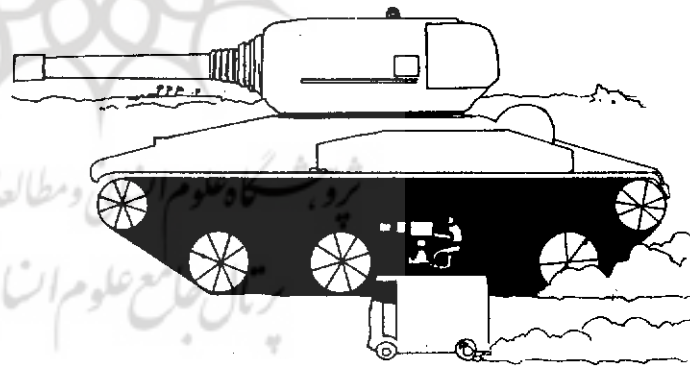
جهان آستان تحولات بی‌شماری شده است. شتاب رویدادها به خاطر گسترش امکانات ارتباطی، حرف اول این تحولات است. در این فضای نوین هیچ امری بدون رضایت ملتها و به عبارت بهتر بدون رضایت افکار عمومی امکان‌پذیر نیست. در این هزار توی ارتباطی همه در صدد رسیدن به خط اول جلب افکار عمومی هستند و کسانی در این رقبات، پیروز خواهند شد که قدرت تکنولوژی و ارتباطاتشان بیشتر از دیگران باشد. ارتباطات انگار ساز است. هم‌نگاره‌های خوب می‌سازد و هم انگاره‌های بد. می‌گویند مردم روزانه بیش از ده هزار پیام می‌گیرند. معماران این پیامها به انگارها شکل می‌دهند. اهمیت این انگار سازی هنگامی آشکارتر می‌شود که به این حقیقت نیز توجه کنیم که در عصر شتاب رویدادها، تصمیم فردا به تصمیم امروز تبدیل می‌شود و تصمیم امروز را باید برای «الان» آماده ساخت و به همین خاطر است که پلهای ارتباطی به سرعت برقرار می‌شود. یک ارتباط موفق همانند یک پل مستحکم است که عابران را به دیگر سو می‌رساند. رسانه‌ها پلهایی هستند میان «رویدادهای واقعی» و «خوانندگان». این پلهای ارتباطی در جنگ خلیج فارس نیز برقرار شد، اما فقط برای عبور نظامیان. آیا رسانه‌های خبری، سازندگان این پلها همه توان خود را برای عبور روانتر نظامیان به کار گرفتند؟ آیا آنها «رویدادهای واقعی» را مخابره می‌کنند؟

سانسور و اعمال محدودیت

خبرگزاریهای رویتر، یونایتد پرس، آسوشیتد پرس و فرانس پرس بیشترین سهم پوشش خبری را در جنگ خلیج فارس به خود اختصاص دادند. در این میان نقش شبکه تلویزیونی «سی، ان، ان» آمریکا نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. از چهار خبرگزاری فوق یک خبرگزاری متعلق به انگلیس، دو خبرگزاری متعلق به آمریکا و یک خبرگزاری متعلق به فرانسه است، این سه کشور اساس قدرت نظامی نیروهای چندملیتی در خلیج فارس را نیز تشکیل می‌دهند. روزنامه‌نگاران انگلیس ظاهراً زودتر از دیگران- پیش از شروع جنگ خلیج فارس- به استقبال سانسور برده شدند. رادیو دولتی انگلیس در تاریخ ۲۱ دی ماه یعنی چهار روز قبل از آغاز جنگ خلیج فارس، در یک گزارش خبری از دیدار گویندگان خبر و سردبیران روزنامه‌ها با مقامات وزارت دفاع انگلیس خبر داد. این رادیو اعلام کرد:

«گویندگان خبر و سردبیران روزنامه‌ها با مقامات وزارت دفاع

جنگ خلیج فارس، غرش توپهای خبری



یونس شکرخواه*

از هر پنج آمریکایی، چهار نفر از جنگ خلیج فارس حمایت می‌کنند^(۱). عامل این وضعیت رسانه‌های خبری آمریکا هستند در سایر کشورهایی که نیرو به خلیج فارس اعزام کرده‌اند نیز وضعیت کم و بیش مشابهی برقرار است. در جنگ خلیج فارس دومدیریت موازی وجود دارد: نظامیان و روزنامه‌نگاران غربی. در این نوشتار به جنبه دوم مسئله پرداخته می‌شود. جنبه‌ای که برخلاف سنتها و پیشینه‌های روزنامه‌نگاری، تعهد خبری را به تعهد نظامی تبدیل کرد. روزنامه‌نگاران در این گرانترین جنگ جهان و در جنگی که تکنولوژی در هر دو شکل نظامی و اطلاع رسانی با پیچیده‌ترین هیئت خود ظاهر شد، اگرچه در خط مقدم حضور یافتند، اما به نقش طبیعی خود عمل نکردند.

آمریکا)، رسانه‌های خبری تنها در صورتی می‌توانند با سربازان مجروح مصاحبه کرده و یا از آنان عکس بگیرند که «اسکورٹ نظامی» نیز حضور داشته باشد، رضایت فرمانده، دکتر و فرد مجروح نیز شرط دیگر گفتگوست. هفته‌نامه نیوزویک به سه محدودیت دیگر مربوط به «مقررات زمینی» نیز اشاره می‌کند، مقرراتی که هیچ‌کس جز خود روزنامه‌نگاران غربی از همه آنها مطلع نیست:

- ۱- ضبط دیداری یا شنیداری موقعیت پرسنل، هنگامی که در حالت اضطراب یا شوک شدید هستند، مجاز نیست.
- ۲- تصویربرداری از مجروحان در حالتی که تسخیر شکل یافته و یا تحت‌عمل جراحی پلاستیک هستند، ممنوع است.
- ۳- مصاحبه با پرسنل و یا تصویربرداری از آنها در حالی که تحت روان‌درمانی هستند، غیرمجاز است.^(۱)

در هر حال جنگ خلیج فارس آغاز شد و این محدودیتها نیز لحظه به لحظه افزایش یافت و همه رسانه‌هایی که به لحاظ خبری از این تراستهای خبری، اخبار خود را تأمین می‌کردند، با سیل عظیمی از اخبار یکطرفه مواجه شدند. این مسئله برای روزنامه‌نگاران کشور ما نیز که به لحاظ موقعیت جغرافیایی ایران، نزدیکترین کانون به محل درگیری بودند، صادق بود. روزنامه‌نگاران و بویژه اعضای سرویسهای خارجی روزنامه‌های ایران، به خوبی عظیمترین سانسور خبری غرب را در عمل دیدند و این امر گزینش اخبار را به شکل متعادل دشوار می‌ساخت. به این موضوع دوباره خواهیم پرداخت.

بحث این است که این سانسور صرفاً از سوی نظامیان اعمال می‌شود، یا اینکه روزنامه‌نگاران غربی نیز در این امر دخیل بوده و هستند؟ طبیعتاً جریان یکطرفه اخبار فی‌نفسه اصلترین عامل سانسور است که پرداختن به آن از جنبه مدلهای گوناگون حرکت اطلاعات، نیازمند یک بحث مستقل است، اما روزنامه‌نگاران غرب نیز در این مورد دخالت داشته و دارند. «رابرت فیکس» نویسنده روزنامه ایندپندنت لندن، در گزارشی از عربستان علاوه بر انتقاداتی که از سانسور نظامی به عمل آورد، از روزنامه‌نگاران نیز انتقاد کرد. او به روابط نزدیک و ناسالم روزنامه‌نگاران و نظامیان غربی اشاره کرد و این روابط را غیرسازنده خواند. «رابرت فیکس» در اشاره به پیچیدگی کار در عربستان سعودی، می‌نویسد:

انگلیس ملاقات کردند و مقررات وزارت دفاع برای گزارش دادن از برخورد‌های نظامی و عکسها و گزارشهای جنگی به اطلاع آنان رسید..... این ممنوعیتهای رسمی در برگیرنده هر گونه اطلاعاتی است که جان انسانها را به خطر اندازد و عملیات نظامی را به مخاطره افکند و یا پرده از روی جزئیات مهم بردارد. در نتیجه شنوندگان رادیو و تماشاگران تلویزیون نمی‌توانند دریابند که چند سرباز و یا چند فروند کشتی و هواپیما به کار برده شدند، محل دقیق این نیروها نیز محرمانه خواهد ماند... گزارشهای خط مقدم را عده‌ای محدود به یک گروه تلویزیونی، یک گزارشگر رادیویی و دو روزنامه‌نگار و یک عکاس عرضه خواهند کرد که وزارت دفاع این عده را گروه پاسخ وسایل ارتباط جمعی می‌خواند.^(۲)

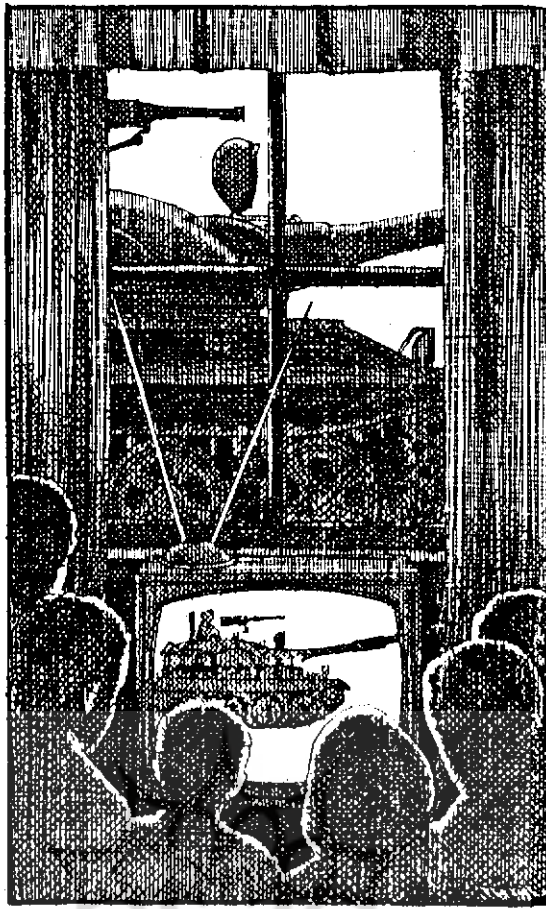
به دنبال این گزارش رادیویی، خبرگزاری انگلیسی رویترز نیز با صدور بیانیه‌ای خطاب به مشترکین خود اعلام کرد:

«خبرنگاران و عکاسان رویترز که بحران خلیج (فارس) را از عربستان و مناطق همجوار پوشش می‌دهند، در معرض سانسور جنگی مقامات نظامی آمریکا، انگلیس و سایر مقامات هستند. ما باید «مقررات زمینی» مربوط به افشای اطلاعات مهم نظامی را که شامل همه رسانه‌ها می‌شود، رعایت کنیم. مقررات زمینی، روزنامه‌نگاران را از گزارش آمار دقیق سربازان، کشتیها، هواپیماها و تسلیحات، جزئیات عملیات، فعالیت‌های اطلاعاتی و پیش‌گیریهای امنیتی منع می‌سازد، مگر آنکه این اطلاعات از طریق مجاری رسمی ارائه شود. اگر جنگ آغاز شود، محدودیتها شامل تهیه گزارش از مجروحان، خسارات و یا آسیب دیدن هواپیماها و کشتیها نیز خواهد شد. خبرنگارانی که از خط‌مقدم گزارش می‌دهند اجازه اعلام محل دقیق استقرار نیروهای نظامی را ندارند، بلکه فقط باید به موقعیت کلی جغرافیایی اشاره کنند.»^(۳)

هفته‌نامه آمریکایی نیوزویک نیز اعلام کرد که بر طبق دستورات پنتاگون (وزارت دفاع



«نیاز و اتکای خبرنگاران به افراد نظامی و تسهیلات ارتشی باعث وابستگی شده و نتیجه این وابستگی به وجود آمدن حالتی است که افراد نظامی را به اصطلاح خودی می‌پندارد و در این حالت است که تیزبینی و عیب‌جویی روزنامه‌نگار ضعیف‌تر می‌شود. بازنده نهایی روزنامه‌نگاران خواهند بود، چون آنها هر قدر هم مطیع و فرمانبردار باشند، فرماندهان نظامی همیشه گناه شکستهایشان را به گردن رسانه‌های گروهی می‌اندازند و مردم عادی در انگلیس و آمریکا هم هرگاه که جنگ زمینی آغاز شود و تعداد تلفات نیروهای متحدین رو به افزایش بگذارد، لبه تیز انتقادشان را متوجه روزنامه‌نگاران و خبرنگاران رادیو تلویزیونها، خواهند کرد که: شما که آنجا بودید و می‌دیدید، چرا بی‌چون و چرا مقررات و محدودیتهای نظامی را پذیرفتید و تمام حقایق را به ما نرساندید» (۵).



استفاده از این هواپیماهای مدل، فقط در مقابل صفحه تلویزیون بنشینند و سریعاً از اوضاع باخبر شوند. این خبرنگاران کوچک اما گرانقیمت (یک میلیون دلار) به راحتی در کوله پشتی نظامیان قرار می‌گرفتند و در مواقع ضروری به انجام وظیفه می‌پرداختند، نه ترس می‌شناختند، نه اطلاعات آنها ویراستاری می‌شد و نه نیازی به خوردن و خوابیدن داشتند.

اطلاع‌رسانی ماهواره‌ای نیز جایگاه ویژه‌ای در این جنگ داشت. ماهواره‌ها آن سوی جو به جمع‌آوری اطلاعات نظامی می‌پرداختند، این کار از طریق عکسهای با وضوح بالا عملی می‌شد. ماهواره‌ها همچنین پیامهای رادیویی را نیز آشکار می‌کردند. ماهواره آمریکایی «لاکروس»^۲، یکی از ماهواره‌های فعال جنگ خلیج فارس بود. ابر نیز مانع فعالیت این ماهواره کسب اطلاعات نبود. قدرت تصویربرداری این ماهواره تا حدی است که ضمن نشان دادن پستی و بلندیهای زمین حتی تسلیحات مدفون در زیر خاک را نیز با کمک امواج رادار مشخص می‌کند. «این ماهواره در طی جنگ هر چند روز یک بار از فراز خاورمیانه عبور می‌کرد» (۷)، و لحظاتی بعد عکسها و داده‌های ضروری را در

اعزام تیمهای خبری رسانه‌های ایران به عراق، پوشش جامعتری از رویدادهای جنگ خلیج فارس را فراهم ساخت. همان‌گونه که ذکر شد، در جنگ خلیج فارس تکنولوژی نظامی و همچنین تکنولوژی اطلاع‌رسانی در پیچیده‌ترین شکلهای خود حضور یافتند، ذکر جنبه‌های اطلاع‌رسانی در این جنگ در هر دو قلمرو اطلاع‌رسانی به نظامیان و اطلاع‌رسانی یکسویه به خوانندگان، بینندگان و شنوندگان حایز اهمیت است.

تکنولوژی اطلاع‌رسانی

استفاده از روباتها (فرمانبرها) که به نوعی دارای هوش مصنوعی بوده و عمدتاً در خدمت کارهای دستی انسان درآمده‌اند، تا حدودی تغییر کرد. در این جنگ از نوعی هواپیمای «هدایت‌شونده از دور» برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد این هواپیماهای کوچک بدون خلبان که در حقیقت مدلهایی کوچک هستند، «پایونیر» و «پونیر» نام داشتند. از این دو نوع هواپیما برای شنیدن اطلاعات نیروهای عراق و همچنین نظارت بر انتقال نیروهای عراقی استفاده شد. «پایونیر»ها بعد از انجام ماموریت خود در بازگشت به وسیله یک تور در عقب رزمنان متوقف می‌شوند. «پونیر»ها نیز دارای یک دوربین ویدیویی هستند که تصاویر خود را تا شعاع ۵ کیلومتری مخابره می‌کنند. به این ترتیب نظامیان می‌توانستند با

سانسور اخبار خلیج فارس غیرقابل انکار است. «انستیتو بین‌المللی مطبوعات» که ۵۰۰ رسانه از شصتویک کشور جهان در آن عضویت دارند، دست به انتشار یک بیانیه سرگشاده در این زمینه زد و تهدید کرد که اگر قوانین سانسور مطبوعات که به وسیله آمریکا و انگلیس اعمال می‌شود، لغو نگردد، رأساً دست به اقداماتی خواهد زد. هیئت اجرایی «انستیتو بین‌المللی مطبوعات» اعلام کرد: «در نظر دارد در باره سانسور و نحوه کنترل پوشش اخبار جنگ به وسیله مقامات عراقی و کشورهای عضو ائتلاف، تحقیق کند و منتظر دریافت اظهارات مستقیم خبرنگاران انگلیس (مستقر در عربستان و عراق) است» (۶). گفتنی است که این بیانیه فقط در روزنامه تایمز انگلیس انتشار یافت و هیچ‌یک از روزنامه‌ها و شبکه‌های خبری رادیویی و تلویزیونی انگلیس آن را منتشر نکردند. همان‌گونه که گفته شد، انتخاب و ارائه اخبار بی‌طرفانه در میان این سانسور شدید، وظیفه‌ای بسیار دشوار است، اما رسانه‌های خبری ایران به سرعت توجه خود را به خبرنگاران خود در غرب و جنوب ایران معطوف ساختند.

هم رادیو تلویزیون و هم روزنامه‌ها از این طریق توانستند با دریافت اخبار رادیویی عراق که صدای آن در نواحی غربی و جنوبی ایران قابل دریافت است، به شنوندگان، بینندگان و خوانندگان خود اخبار متعادلتری را ارائه کنند.

مورد اهداف مورد نظر به زمین مخابره می‌کرد. «حداقل به غیر از لاکروس ماهواره‌های دیگر با اسم رمز «ک.ا.چ. ۱۱» که دارای تلسکوپهای عظیم، پویشرگر و سنجنده‌های قوی بودند، در این عملیات اطلاع‌رسانی حضور داشتند» (۸). یک ماهواره آمریکایی دیگر که در این عملیات حضور داشت، «کیهول»^۳ بود. «کیهول» یا سوراخ کلید، دارای دوربینهایی به درازای ۶ متر و به پهنای ۳ متر است که عکسهای دقیقی از سطح زمین بر می‌دارد. به هر حال، اطلاعات ماهواره‌ها از این جهت حایز اهمیت است که نیروهای چندملیتی را قادر می‌سازد تا با اطلاع از طول موج امواج راداری عراق، دستگاههای رادار را مختل نمایند و یا با موشک به محل آن حمله کنند.

نبرد رادیویی نیز در جنگ خلیج فارس جبهه خاص خود را داشت. خنثی کردن تبلیغات طرفین، محور این جنگ رادیویی را تشکیل می‌داد. «گلن فرانکل» خبرنگار روزنامه واشنگتن پست در گزارشی در این زمینه نوشت: در جنگ خلیج فارس علاوه بر جنگ هواپیمایی و موشکی، نبرد هوایی دیگری نیز جریان دارد: نبرد امواج رادیویی. رادیو و تلویزیون دولتی عراق گرچه در نتیجه حملات نیروهای متحدین آسیب دیده است، اما هنوز به پخش اعلامیه‌های نظامی،

2- Lacrosse
3- Key Hole

1- International Press Institute



سخنرانیها و گزارشهای خبری ادامه می‌دهد و به این گونه ادعاهای فرماندهان نظامی نیروهای متحدین را مبنی بر اینکه آنان شبکه مخابراتی عراق را منهدم یا مختل کرده‌اند، بی اعتبار می‌کند... دشمنان عراق نیز می‌کوشند که با پخش برنامه‌های رادیویی که برخی از آنها به طور مستقیم خطاب به ملت عراق است، در برابر این گفته‌های رژیم بغداد مقابله کنند»^(۹).

به وجود آمدن ایستگاههای رادیویی مختلف عمدتاً به خرج نیروهای چندملیتی و عربستان، در این زمره بود، عراق نیز متقابلاً به ایجاد فرستنده‌های رادیویی بویژه برای جنگ روانی علیه سربازان نیروهای چندملیتی همت گماشت.

اتلاف ضدعراق علاوه بر استفاده از هواپیماهای کوچک جمع‌آوری اطلاعات، استفاده از ماهواره‌ها و کاربرد جنگ رادیویی و همچنین رهگیری رادیویی، از پخش اعلامیه نیز استفاده کرد و میلیونها اعلامیه را بر فراز مواضع عراق با چترها ساخت. مضمون بیشتر این اعلامیه‌ها دعوت به تسلیم بود و اغلب پیامهای خود را با استفاده از کاریکاتورهای رنگی و یا سیاه و سفید می‌داد. اکثر خبرگزاریها به پخش این گونه اعلامیه‌ها اشاره کردند.

شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان»^۴ آمریکا نیز در این جنگ نقش ویژه‌ای در شکل‌دهی به افکار عمومی ایفا کرد. برای آنکه به عمق اثرات این شبکه تلویزیونی آمریکا پی‌بیریم، نکات زیر بهترین شاهد ادعاست:

«۶۰ درصد از ۹۲ میلیون آمریکایی صاحب تلویزیون، مشترک این شبکه تلویزیونی هستند. در خارج از آمریکا ۶ میلیون خانواده این شبکه تلویزیونی را از طریق ماهواره تماشا می‌کنند. ۱۲۰ ایستگاه تلویزیونی در سراسر جهان بریده‌های خبری این شبکه را خریداری می‌کنند. مسافران در دویست و پنجاه هزار اتاق از هتل‌های جهان می‌توانند این شبکه تلویزیونی را تماشا کنند. میزان بینندگان این شبکه از هنگام آغاز بحران خلیج فارس تقریباً دو برابر شده... و بینندگان عادی همان اطلاعاتی را دریافت می‌کنند که سران دولت آنها. این شبکه تلویزیونی دارای ۱۷۰۰ کارمند در

4- Cable News Network (C.N.N)

«نخبه‌گرایی خبری» و در واقع به مسلخ بردن افکار مردم است.

● اگر منصفانه به قضاوت بنشینیم، علی‌رغم آنکه از زمان آغاز جنگ هزاران خبر، عکس، گزارش و تصویر تلویزیونی از این جنگ مخابره شده است، هیچ کس از ما تصویر روشنی از جنگ خلیج فارس در دست ندارد. آنچه هست تصاویری مبهم از یک حقیقت جاری است. این همه «داده» مخابره شده است تا حقیقت «داده‌ها» در پس پرده ابهام باقی بماند.

● و بالاخره رسانه‌های خبری غرب از دریچه دوربینهایی به جنگ خلیج فارس می‌نگرند که بر ماهواره‌های نظامی و هواپیماهای جنگنده نصب شده است. آیا شما به راستی تاکنون تصویر و یا خبری که از اثرات این جنگ جنایتکارانه بر حیات مردم بی‌گناه و غیرنظامی عراق خبر دهد، چیزی دیده و پاشنیدماید؟ رسانه‌های خبری غرب، عامل انسانی را از صحنه جنگ خلیج فارس زدوده‌اند، آنها ما را به تماشای یک بازی کامپیوتری فراخوانده‌اند. محور این بازی شلیک به حقایق است و خبرنگاران غربی ماشه‌هایی هستند که به دست نظامیان چکانده می‌شوند. اما با این همه رسانه‌های خبری غرب هنوز هم اصرار دارند که این «راز آشکار» را تا پایان جنگ خلیج فارس حفظ کنند.

۹ دفتر خود در آمریکا و ۱۶ دفتر در آن سوی دریاهاست»^(۱۰)
این تأثیرگذاری هنگامی بیشتر می‌شود که بدانیم اکثر روزنامه‌نگاران ترجیح می‌دهند به جای حضور در صحنه رویداد در برابر برنامه‌ها پخش مستقیم «سی.ان.ان» در اتاقهای هتلها بنشینند و گزارشهای خود را بر پایه گزارشهای این شبکه تلویزیونی تنظیم کنند. به هر حال شبکه تلویزیونی «سی.ان.ان» آمریکا که تجربه پوشش خبری تهاجم آمریکا به گرانادا و پاناما را داشت، در این جنگ نیز به خدمت گرفته شد تا به همراه سایر رسانه‌های خبری غرب با این داعیه که خیلی سریع به پوشش زنده جنگ پرداختند، این نتایج را به بار آورند:

● به جای ایجاد ارتباط میان مردم و رویدادهای جنگ، پلهای ارتباطی را با داده‌های غیرمفید بمباران کنند.

● به جای اطلاع رسانی به مردم، از طریق پخش زنده بمباران بغداد، خود را تا حد جاسوسی برای نظامیان جبهه متحدین تنزل دهند.

● برای آنکه احتمال تردید در قبال سانسور را کاهش دهند، به پوشش تظاهرات ضدجنگ نیز بپردازند، حال آنکه این پوشش در واقع ضرورت چندانی ندارد، زیرا آنچه به نام تظاهرات ضدجنگ در کشورهای غربی میگذرد، به لحاظ تأثیر حکم قطره‌ای در اقیانوس را دارد، اقیانوسی که با موج کوبهای همین رسانه‌ها مهار شده است.

● به جای نشان دادن چهره کریه جنگ و نمایش کشتار بی‌رحمانه غیرنظامیان عراق، فقط به پخش اظهارات افسران عالی رتبه بپردازند و اگر پا فراتر هم نهند، به سراغ سیاستمداران سرشناس روند و این همان

● پانوشتها

1- Tony Snow- Press, Truth And Propaganda, Washington Times, 2,20,1991.

۲- روزنامه‌نگاران انگلیس به استقبال سانسور برده شدند. فراسوی رویدادها. روزنامه کیهان، شنبه ۲۲ دی ماه ۱۳۶۹.

3- 170427 Med: BC-Gulf Note To Subscribers.

Restrictions on Reuter Coverage of Gulf Crises.

4- We Will See The Real War? Pentagon Rules Would Restrict Press Coverage. NewsWeek Jan 14, 1991.

۵- رادیو دولتی انگلیس، ۱۷/۱۱/۹۱.

۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، لندن، ۲۰/۱۱/۹۱.

7- William HarWood-Spy Satellites Play Key Role In War Cape-Canaveral-UPI- Iraq- Satellites 1-18, 1991.

8-OP.Cited

۹- لندن، رادیو بی‌بی‌سی، ۷ بهمن ۱۳۶۹.

10- CNN: Television For The Global Village, World Leaders Watch Each Other On The Tube, World Press Review, Dec 1990.

● یونس شکرخواه، روزنامه‌نگار و دانشجوی کارشناسی ارشد

ارتباطات اجتماعی است.